

ترجمه، پلکانی برای سرشار شدن ذهن و زبان

محمدجعفر یاحقی

این چه سخنی است؟ خب هر مترجمی باید نویسنده هم باشد. مگر ترجمه با نوشتن عملی نمی‌شود؟ چرا می‌شود؛ اما نه هر نوشتنی نویسندگی است و نه هرکه می‌نویسد نویسنده است! در ایران نویسنده در معنای اصطلاحی آن کسی است که عموماً داستان می‌نویسد (کوتاه یا بلند) و در این کار به پایه‌ای از شهرت می‌رسد، و در مثل به کسی که مقاله یا کتاب به نثر می‌نویسد، کمتر نویسنده اطلاق می‌شود. اسلامی ندوشن به همین معنی «کمتر» نویسنده است. کسی که با قلم زدن در عرصه‌های مختلف اجتماعی (در معنای وسیع کلمه)، ادبی و فرهنگی بسیار نوشته و ژانر خاصی از نویسندگی را به کمال رسانیده است که تاکنون کمتر در قلمرو سبک سخن پارسی به‌عنوان یک نوع مستقل ادبی به رسمیت شناخته شده است. ظرفیت‌هایی که قلم وی در این مسیر مشخص، و باید بگویم منحصر، به دست آورده با این کیفیت و کمیت و برجستگی به‌طور اختصاصی برای کمتر کسی فراهم شده است. وی از شعر عبور کرده و در نثر به جایگاهی دست یافته که شاعری را پشت سر خود دیده است. این در حالی است که در قاموس زبان فارسی همیشه شعر در مرتبه فراتر، جدی‌تر و فاخرتری از نثر دیده می‌شده است. گویی وی در دوران نخستین زندگی ادبی خود شاعری را به‌مثابه تمرینی برای نویسندگی قلمداد کرده و زود هم با آن بدرود گفته و به دنیای نوشتن در معنی مورد نظر گام نهاده است.

اگر به یاد بیاوریم که وی در همان آغاز با نوشتن رمان افسانه و افسون (۱۳۴۵) و چند داستان کوتاه، که ابتدا به‌صورت تدریجی در مجله‌های سخن و پیام نو و بعدها یکجا در مجموعه پنجره‌های بسته (۱۳۵۶)، منتشر شد، و اگر کتاب سه‌جلدی روزها یعنی خودسرگذشت‌نامه او را هم براین بیفزاییم و از کتاب ابر زمانه، ابر زلف هم که نمایشنامه و رویه دیگری از نویسندگی به معنی خاص کلمه است، غافل نمانیم، می‌بینیم که او از این مرحله هم گذشته و گویی ورود به قلمرو داستان نویسی هم او را برای رسیدن به دنیای تأملات اجتماعی و فرهنگی و در نتیجه نویسندگی به معنای خاص‌تر آن نزدیک کرده است. به نظر می‌رسد اسلامی برای رسیدن به مرحله نویسندگی اجتماعی-فرهنگی و فرازمندی

در این کار از یک مرحله دیگر یعنی دنیای ترجمه هم گذشته است.

پیروزی آینده دموکراسی نخستین ترجمه اسلامی ندوشن است که در اسفند ۱۳۲۸ یعنی زمانی که او تنها ۲۴ سال داشته منتشر شده است. این کتاب ترجمه خطابۀ توماس مان در «تحلیل فلسفی نظام دموکراسی در برابر استیلای نازیسم» است که به سال ۱۹۳۸ در دانشگاه پرینستون ایراد شده است.

اما مهم‌ترین اثر ترجمه‌ای اسلامی ندوشن شور زندگی، شرح زندگانی شورانگیز «ونسان و نگوک» نقاش چیره‌دست هلندی به قلم ایروینگ استون است که بسیار مورد توجه و علاقه خوانندگان ایرانی قرار گرفته است. اگر به نظر بیاوریم که این کتاب یکی از محبوب‌ترین آثاری است که کمتر کتاب‌خوانی در ایران — دست‌کم در عصر پیشامجازی — که این کتاب را ندیده و نخوانده باشد، به اهمیت پرطرفداری کتاب در قلمرو زبان فارسی پی می‌بریم. چاپ یازدهم کتاب که اکنون در اختیار من است (انتشارات یزدان، ۱۳۷۰) در پنج هزار جلد منتشر شده است. از تعداد چاپ و شمارگان بالای کتاب، که اصلاً با شمارگان‌های ۲۰۰ و ۴۰۰ نسخه‌ای امروز به کلی متفاوت است، تعجب نکنید. چاپ دهم این کتاب یک سال قبل از آن (۱۳۶۹) در چهارده هزار و پانصد نسخه و چاپ نهم آن در شمارگان پانزده هزار نسخه انتشار یافته است. اطمینان دارم شمارگان چاپ‌های دیگر آن هم از این کمتر نبوده است.

ملال پاریس و گل‌های بدی، گزیده‌ای از شعر و نثر شارل بودلر (۱۸۲۱-۱۸۶۷) است، که نخستین بار در ۱۳۴۱ بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر کرده است. بهترین اشعار لانگ فلو کاری بود که ترجمه آن در اواسط دهه سی از سوی انتشارات سخن به وی پیشنهاد شد در قالب مجموعه‌ای زیر نظر سیروس پرهام به صورت دوزبانه به‌عنوان کمک درسی برای دانشجویان رشته زبان. لانگ فلو (۱۸۰۷-۱۸۸۲) گوینده‌ای اخلاقی و خوش‌منش بود که سادگی آغازین زندگی آمریکایی را در آثارش منعکس کرده است.

آنتونیوس و کلتوپاترا از دیگر ترجمه‌های اسلامی ندوشن، یکی از تراژدی‌های تاریخی شکسپیر است که چاپ نخست آن در سال ۱۳۶۳ انتشار یافت. وی بر این اثر مقدمه‌ای نوشت در ۳۸ صفحه شامل بررسی و تحلیل اثر و اشاره‌ای به آثار مشابه آن در ادب فارسی که خسرو و شیرین نظامی را فرایاد می‌آورد.

بخش دوم کتاب ایران لوک پیر ترجمه تراژدی دیگری است به نام «ایرانیان» اثر آیسخیلیوس، نخستین و مهم‌ترین نمایشنامه‌نویس یونان. چاپ نخست این کتاب به سال ۱۳۷۰ صورت گرفته است. آیسخیلیوس در این نمایشنامه تحسین و رشک یونانیان را نسبت به ایران بازنموده و برای بزرگ نشان دادن کشور خود یونان و ایران را در کنار هم به‌عنوان دو وزنه بزرگ جهان باستان معرفی کرده است.

شهرت و محبوبیت ترجمه‌های اسلامی ندوشن به نظر من در دو چیز است: نخست انتخاب بجا و آگاهانه او از شخصیت‌های نامور و طراز اول جهان و به عبارت دیگر، محتوای فاخر آثار؛ و دیگر زبان شفاف و نرم و خوپذیر مترجم که هر سلیقه و درجه‌ای از دانش ادبی را خرسند نگه می‌دارد. نام‌های بلند و آشنایی مانند توماس مان، لانگ فلو، ونگوک، بودلر، شکسپیر و آیسخیلوس هر آدم کتاب‌خوانده‌ای را به احترام و می‌دارد. اما مهم‌تر از آن مسیر ارتباط با اندیشه و جهان سرشار و زیبای این آدم‌هاست که آن هم با نثر پخته و زبان سرشار مترجم بیش از پیش فراهم شده است. اسلامی زبان فارسی را نه تنها خوب می‌شناسد، بلکه به بافت و روابط باریک و ظریف‌ها و توانایی‌های واژه‌ها و ربط آن با مفاهیم دیروز و امروز به صورت غریزی و بی‌واسطه آشناست و همین امر زبان او را قادر می‌سازد که راه خود را به دل‌های خوانندگان باز کند و در انتقال معانی شفاف اثر مبدأ توفیق بیشتری داشته باشد.

اسلامی به ترجمه دل نداد، بلکه همواره به این فن به چشم تفنن نگریست و مثل موارد دیگر از آن عبور کرد تا به نویسندگی منظور نظر خویش برسد. وقتی یک نویسنده از دور دستی بر آتش ترجمه داشته باشد، می‌شود نویسنده‌ای که از ترجمه به‌عنوان پلکانی برای سرشار شدن ذهن و زبان خود بهره‌مند شده و راه خویش را به عالم نویسندگی که غایت کار ظهور او در عالم اندیشه و ادب بوده، باز کرده است. ❁